



اجلاس جهانی ایران آزاد ۲۰۲۳: پیش به سوی جمهوری دموکراتیک

مریم رجوی: لحظه سرنوشت برای انقلاب ایران

۱۴۰۲ تیر ۱۰

اجلاس جهانی ایران آزاد ۲۰۲۳، به سوی جمهوری دموکراتیک، روز شنبه، ۱۰ تیر ۱۴۰۲، در مقر شورای ملی مقاومت ایران در اورسوراواز در شمال پاریس افتتاح شد.

بیش از ۵۰۰ تن از قانونگذاران، روسای جمهور، نخست وزیران، وزرا و مقامات پیشین از آمریکا و اروپا و خاورمیانه در این اجلاس حضور دارند و شماری از آنها سخنرانی می‌کنند. معاون رئیس جمهور مایک پنس، استفن هارپر (نخست وزیر سابق کانادا) گی ورهوفستاد، نخست وزیر سابق بلژیک، خانم ریتا زوسموث رئیس سابق پارلمان فدرال آلمان و آقای جان برکو، رئیس پیشین مجلس عوام انگلستان، آمباسادور جان بولتون و ژنرال جیمز جونز، مشاوران پیشین روسای جمهور آمریکا، برنارد کوشنر و میشل آلیو ماری و ودین وزرای خارجه پیشین فرانسه، سناتور جولینو ترتزی وزیر خارجه سابق ایتالیا، جان برد، وزیر خارجه پیشین کانادا، دکتر لیام فاکس، وزیر دفاع پیشین انگلستان، ژنرال وسلی کلارک، فرمانده سابق پیمان آتلانتیک شمالی و سناتور جوزف لیبرمن، لنس گودن، نماینده کنگره آمریکا از تکزاس و رئول رویز، نماینده کنگره آمریکا از کالیفرنیا در این شمارند. خانم لیزتراس نخست‌وزیر سابق انگلستان و آقای پمپئو وزیر خارجه آمریکا تا سال ۲۰۲۱ به صورت آنلاین در این جلسه سخنرانی می‌کنند.

در آغاز این اجلاس، مریم رجوی در ارتباط آنلاین با تظاهرات بزرگ ایرانیان در میدان ووبان پاریس، طی سخنانی گفت:

هم‌میهنان!

زنان و مردان شریفی که از سراسر جهان در این تظاهرات شرکت کرده‌اید؛ شما امروز، هم گواهان پیروزی عدالت برای مقاومت‌اید؛ هم مبشران شکست قطعی رژیم ولایت فقیه و پیروزی آزادی در ایران، ایران آزاد.

هموطنان عزیز!

از خانه قدیمی مقاومت جایی که مسعود رجوی در تابستان داغ ۱۳۶۰ به آن وارد شد، با شما صحبت می‌کنم و به همه شما درود می‌فرستم.

مردم به‌ستوه آمده‌یی که در شهرها و روستاهای ایران صدای مرا می‌شنوید! برای کشور ما، برای جنبش و انقلاب ما، لحظه سرنوشت فرا رسیده است. فرصتی پیش آمده که در تاریخ ملت‌ها نادر است؛ یا استبداد دینی و ولایت فقیه ادامه پیدا می‌کند، یا انقلاب می‌کنیم، آخوندها را سرنگون و یک جمهوری دموکراتیک با جدایی دین و دولت بنا می‌کنیم و مردم و کشورمان آزاد و رها می‌شوند.

این سرنوشت است که بر در می‌کوبد؛ کدام را می‌خواهیم؟ جواب انقلاب است. اما قیمت دارد. مقاومت ما تا به حال بالاترین قیمت را در تاریخ ایران در طولانی‌ترین زمان و بغرنج‌ترین شرایط پرداخته است. پس این پرسش زمانه ماست: آیا باز روزگار تاریکی و نیستی ادامه پیدا می‌کند؟ و آیا باز شب است و چهره میهن سیاه است؟

نه، هرگز، ما سپیده فرح‌بخش‌هایی را در افق می‌بینیم که پیدا و پیداتر شده است. ما مقصد پرشکوه آزادی را می‌بینیم که دست‌یافتنی‌تر شده است؛ پس ای سرودآوران سپیده، یک جهش مانده؛ یک خیز؛ یک گام؛ برای آن به‌پاخیزیم.

حتمیت سرنگونی رژیم

می‌گویند رژیم بعد از قیام ۱۴۰۱ ناگزیر عقب‌نشینی می‌کند. و زهر می‌خورد و دوباره بشکه‌های پول سرازیر می‌شوند و جیب آخوندها را پر می‌کنند و باز دوباره مذاکره و سازش و مماشات و استمالت در درجه اول هم از حساب ملت و مقاومت.

ما می‌گوییم بفرمایید برای صدمین و هزارمین بار تجربه کنید! ما می‌گوییم که شاه نه پول کم داشت و نه حمایت آمریکا و اروپا را. مدال رسمی ژاندارم منطقه را به او داده بودند. ارتش او در ظفار می‌جنگید و اطلاعات و ساواک او در عراق دنبال کودتا بودند. اما از نظر مردم ایران به آخر خط رسیده بود.

از لحاظ سیاسی و تاریخی، دیکتاتوری دینی هم مثل دیکتاتوری سلطنتی به آخر خط رسیده. نه آن یکی را توانستید نگه دارید و نه این یکی را می‌توان با هر چوبی در زیر بغل او یا هر چماقی بر سر

مقاومت ایران سر پا نگه داشت.

ما می‌گوییم با برجام و بی‌برجام، آفتاب عمر فاشیسم دینی رسیده بر لب بام! بام سقوط و سرنگونی.

چرا خامنه‌ای می‌ترسد؟

خامنه‌ای کمتر از یک‌ماه قبل بر سر قبر خمینی گفت: «ما امروز در سرتاسر کشور هزاران هسته مقاومت در مساجد و در هیات‌ها داریم، از این هسته‌های مقاومت جوان‌هایی برمی‌خیزند به عنوان مدافع حرم، جوان‌هایی برمی‌خیزند به عنوان مدافع امنیت، جوان‌هایی برمی‌خیزند به عنوان بسیجی».

راستی چرا یک رژیم حاکم که هم سپاه دارد و هم ارتش، هم وزارت اطلاعات و نیروی قدس و نیروی بسیج و قرارگاه‌های متعدد و از لباس شخصی‌ها، چرا به هسته‌های مقاومت محتاج شده؟ آیا دلیل آن، قیام‌های پیش‌بینی‌ناپذیر و اعتلای جایگزین دموکراتیک است؟ چرا به همه دولت‌های جهان برای اعمال فشار به مقاومت ایران التماس می‌کند؟ زیرا صدای پای گردان‌های قیام و نیروهای انقلاب دموکراتیک را می‌شنود. زیرا عزم مردم ما برای ساختن یک جامعه عادلانه، قوی‌تر از ترس‌شان از سرکوب است. زیرا قیام‌های نوحاسته پس از هر بار سرکوب، قوی‌تر سربرآورده و چالاک‌تر شده‌اند. زیرا در خط مقدم این قیام، زنان شجاعی پیکار می‌کنند که امتداد نسل‌درنسل زنان مقاومی هستند که در مبارزه با هیولای خمینی هزار هزار شکنجه و اعدام شدند. همان نسل صد هزاران، نسل بی‌شماران، نسل خجسته مسعود، ستارگان شبکوب و همیشه فروزان آسمان ایران. بله، یک جنبش سازمان‌یافته با کانون‌های شورشی، موتور این قیام است که خلق ستم‌زده روز به روز بیشتر به آن رو می‌آورد. جنبشی که دستور کارش سرنگونی است و انقلاب برای آزادی، دموکراسی و برابری.

آیا خامنه‌ای و نیروهای سرکوبش کاری هست که برای توقف قیام‌ها نکرده باشند؟ نه، هیچ کار؛ اما نتوانستند و نمی‌توانند قیام‌هایی را که محصول شرایط عینی است، از میان بردارند. کمک‌کاران آن‌ها به خاطر منافع خودشان می‌خواستند انقلاب دموکراتیک ایران را درهم بشکنند. اما شکست خوردند.

برای لغو همین تظاهرات هم به هر کاری دست زدند، اما شکست خوردند. بله، شما شکست‌شان دادید.

راستی در بانگ و فریاد شما برای آزادی چه نیرویی نهفته است که حکومت آخوندها را می‌لرزاند؟

و چرا خامنه‌ای و رئیسی از تظاهرات آن هم در فاصله ۵ هزار کیلومتری تهران این چنین می‌ترسند؟ راستی چرا می‌ترسند و می‌لرزند؟

برای مدافعان مماشات در وزارت خارجه آمریکا که هم‌زمان از فاجعه در اشرف ۳ حمایت کردند، همین بس که آخوندها برای آن‌ها عمامه تکان دادند و مداحی خواندند.

در همین‌جا اجازه بدهید از همه گروه‌ها، احزاب و شخصیت‌هایی که به‌رغم عقاید مختلف، در این ایام با مقاومت ایران همدردی کردند، صمیمانه سپاسگزاری کنم. جبهه همبستگی ملی میان ایرانیانی که در پی ایران آزاد و یک جمهوری به واقع دموکراتیک هستند، فاشیسم دینی را می‌لرزاند و به روند سرنگونی رژیم شتاب می‌بخشد.

اما ببینیم موضوع چیست؟ چه دعوایی در بین است؟ این کشاکشی است در قلب قیام مردم ایران.

بازهم به همان شعارهای انقلاب کبیر فرانسه می‌رسیم؛ آزادی، برابری (بدون هیچ امتیاز موروثی یا دینی) و برادری.

مماشات با رژیم آخوندی نمی‌تواند آن را از سرنگونی نجات بدهد

خامنه‌ای و سپاه پاسداران‌اش به وضوح می‌بینند که قیام‌های بزرگ بعدی در راه‌اند. این است که به آمریکا و اروپا متوسل شده‌اند، تا جلوی تغییر در ایران را بگیرند. تا پیش‌تازان و راهگشایان قیام خلق را ببندند، مهار کنند و از پایه‌ی‌ترین حقوق آزادی بیان و اجتماعات و فعالیت سیاسی به بهانه امنیت یا حاکمیت محروم کنند. آیا این اروپای قرن بیست و یکم است؟

من به‌یاد می‌آورم که در ۱۹ اسفند ۱۳۸۹ درست یک‌ماه قبل از حمله خونین ۱۹ فروردین ۱۳۹۰ به اشرف، پارلمان اروپا در قطعنامه‌اش با استقبال از محکومیت رژیم ایران تصریح کرد که «موضوع حاکمیت و قلمرو داخلی دیگر نمی‌تواند به عنوان سپری برای جلوگیری از مورد تحقیق قرار گرفتن پیشینه حکومت‌ها در زمینه حقوق بشر مورد استفاده قرار بگیرد».

اما بگذارید آن‌چه را که از روح زمانه می‌جوشد به شما بگویم:

مماشات با رژیم آخوندی ممکن است خون بیشتری از پیکر مردم و مقاومت ما جاری کند، ممکن است فهرست اعدام‌ها را طولانی‌تر کند، ممکن است زندان‌های خامنه‌ای را از دلاوران شورشگر پر و پرتر کند، اما غیرممکن است خامنه‌ای را از سرنگونی نجات بدهد و محال است رژیم به بن‌بست‌رسیده را به تعادل پیشین برگرداند و آتشفشان قیام را خاموش کند.

باید تکرار کنم: ما هرگز از دولت‌های جهان نخواستیم و نمی‌خواهیم که برای سرنگونی رژیم به مردم و مقاومت ما یاری برسانند. بلکه به آن‌ها می‌گوییم از یاری رساندن به آخوندها دست بردارید. به آن‌ها می‌گوییم به مردم آمریکا و ملت‌های اروپا نگاه کنید که چگونه با قیام ایران همبستگی نشان می‌دهند. به قطعنامه اکثریت نمایندگان منتخب مردم آمریکا نگاه کنید. بیانیه‌های ۳۶۰۰ نماینده در ۶۱ مجلس قانونگذاری در ۴۰ کشور را ببینید. از جمله اکثریت اعضای ۲۹ مجلس که هم فاشیسم سلطنتی هم فاشیسم دینی را مردود شناخته و از برنامه ده ماده‌یی این مقاومت، از خواست مردم ایران برای یک جمهوری دموکراتیک و ایران غیراتمی حمایت می‌کنند. درود بر همه آن‌ها.

جرم این مقاومت چیست؟

راستی جرم این مقاومت چیست؟ بزرگ‌ترین جرم‌اش این است که حتی یک روز و یک ساعت را در مبارزه برای سرنگونی رژیم از دست نمی‌دهد. یک سره در پی سازمان‌دادن مقاومت و قیام است. با اعضای فداکاری که از خانه و خانمان دست‌شسته‌اند با فرهنگ جنسیت و فردیت یعنی اول من درافتادند و عهدشان این است که ما زنده‌ایم و نفس می‌کشیم برای قیام برای انقلاب و برای آزادی.

زن ایرانی را شایسته آن می‌داند که آزادانه انتخاب کند و در رهبری جامعه، مشارکت فعال و برابر داشته باشد. شعارش این است: نه حجاب اجباری، نه دین اجباری، نه حکومت اجباری. برای ملیت‌های ستم‌زده، از کردستان تا بلوچستان و از مردم ترکمن تا هموطنان عرب خود، خودمختاری می‌خواهد. آن‌ها که از هر کجای ایران می‌گویند جانم فدای ایران. برخاسته است برای پایان بیکاری و فقر میلیون‌ها میلیون کارگر ایرانی. بله مقاومت ما برخاسته است برای پایان دادن به بی‌خانمانی یک سوم جمعیت کشور و ۸۰ درصدی که زیر خط فقر بسر می‌برند.

اگر این‌ها در شریعت ارتجاع و استبداد و استعمار جرم است، بله ما با سربلند این جرم را می‌پذیریم و به آن افتخار می‌کنیم. اما آن‌چه را که نمی‌پذیریم این است که: هرگز استقلال جنبش مقاومت و استقلال ایران زمین را با بزرگ‌ترین دارایی‌های جهان عوض نمی‌کنیم، هرگز اصول و ارزش‌های انسانی، مبارزاتی و آرمانی را به خاطر کسب قدرت کنار نمی‌گذاریم. گردی از شاه و شیخ و مرام استبدادی آن‌ها را بر خود تحمل نمی‌کنیم و برای آزادی ایران به هیچ قدرتی چشم نمی‌دوزیم.

حالا در تاریکی ایران خمینی‌زده، یکی هست که در تمام سال شب را به آتش می‌کشد، از خیابانی به خیابان دیگر و از این شهر به آن شهر مراکز سرکوب و غارت و دجالیت را طعمه خشم خلق می‌کند. صبح امید است، فراخوان زنده انقلاب و آزادی است امروز نام‌اش کانون شورشی است.

پاسخ انقلاب است

یاران مقاومت!

از این جا که می‌روید به هر هموطنی که می‌رسید بگویید که راه را یافته‌اید.

بگویید: پاسخ انقلاب است. بگویید: می‌توان و باید.

از ما می‌پرسند با مانع‌ها و سختی‌های بسیار چه می‌کنید؟ پاسخ ما این است که همه را می‌توان درنوردید. یک روز حنیف کبیر گفت ما از هیچ و فی الواقع از هیچ سازمان مجاهدین را بنا گذاشتیم.

روزگاری دیگر وقتی که مجاهدین سراپا غرقه در خون بودند، درست در همان روزگار مسعود ارتش آزادی را تأسیس کرد.

در دقیقه قتل‌عام مجاهدین در اشرف، وقتی که پیکره اصلی جنبش شما در قتل‌گاه لیبرتی در معرض انهدام بود، مسعود کانون شورشی را بنیان گذاشت که نتایج آن در استمرار قیام پیوسته بارز می‌شود.

بله، تاریخچه این جنبش، تاریخچه ابتکارها و آفرینش‌های انقلابی است. با نگاه به رهبری فداکارانه و خلاقانه مسعود است که می‌گوییم از آن ماست پیروزی، از آن ماست فردا.

از ما و خلق ما می‌پرسند که این هیولای خونریز چگونه سرنگون می‌شود؟

ما می‌گوییم با مقاومت حداکثر، با نبرد صدبرابر، با کانون شورشی و با قیام و با ارتش آزادی.

اما چگونه به این مقصد می‌رسیم؟

با کار و پیکار مستمر، توقف نکردن، هر راهی را آزمودن، هر بارقه انسانی را شعله‌ورکردن، هر جوانه‌یی از مقاومت را شکفتن، و هر وجدان خفته‌یی را بیدار کردن و آن قدر مقاومت کردن و جنگیدن و جنگیدن تا این زنجیر بگسلد، تا این راه گشوده شود و تا این دیوار فرو بریزد. آری، می‌توان و باید.

سلام بر مردم ایران - سلام بر آزادی - پیروز باد انقلاب دموکراتیک مردم ایران